



## رژیم ترور و اختناق شاه

خانواده زندانیان سیاسی را نیز  
به بند کشیده است.

آرمان در شماره ۵ سال اول در طی فراخوانی به تشریح وضع وخیم زندانیان سیاسی ایران و خطر مرگی که ایشان را تهدید میکند پرداخت. در ضمن نیز متذکر شد که حتی آن "زندانیان سیاسی ای که مدت زندانشان سپری گشته است" بدستور مستقیم شاه آزاد نمی گردند.

طبق اطلاعات جدید در اوایل شهریور ۱۳۵۴ خانواده های این زندانیان سیاسی جهت مطلع کردن مردم از وضع وخیم این زندانیان سیاسی و اعتراض علیه رفتار رژیم با آنها در جلوی مجلس اجتماع کردند و خواستار آزادی فرزندان پدران و شوهران خویش گشتند.

رژیم فاشیستی ایران که شیوه ای جز در بند کشیدن، شکنجه و قتل نمی شناسد، قوای مسلح خود را جهت ممانعت از گردهم آیی آنها به میدان فرستاد. متقابلاً خانواده های زندانیان سیاسی مقاومت پرداختند. در نتیجه سازمان تروریستی امنیت تعداد کثیری از مادران و خواهران زندانیان سیاسی را دستگیر و روانه زندان ساخت. هموطنان! جوانان! دانشجویان!

اگر زندانیان سیاسی که در دادگاه های نظامی خود این رژیم محکوم شده و مدت زندانشان سپری گشته ولی آزاد نمی شوند و هنوز در بند رژیم شاه اسیرند، اگر خواست عادلانه آزادی حتی این زندانیان با خشم حیوانی رژیم مواجه میشود و خانواده آنها نیز به بند کشیده میشود، باین علت است که بر ایران رژیمی دیکتاتور مسلط است، که بر لبه پرتگاه سقوط قرار دارد و از خشم و عصیان مردم بیمناک است.

و تصور میکند که میتواند با سرکوب وحشیانه مبارزات خلق به نظام منحط خود دوام بیشتری بخشد .

تجاوزات این رژیم فاشیستی علیه حقوق دمکراتیک مردم نمی تواند از جانب هیچ فرد آزادیخواهی تحمل گردد . باید شیوه ها و اعمال این رژیم را با استفاده از هرامکن و وسیله ای افشاء نمود .

وظیفه به هر فرد انساندوست و ضد امپریالیست حکم میکند که با تشدید مبارزه برای آزادی قهرمانان در بند خلق دین خود را نسبت به آنان ادا کند .

هموطنان ، جوانان ، دانشجویان ! بکوشیم از هر امکانی استفاده کنیم تا جهانیان از وضع زندانیان سیاسی و رفتار خشن رژیم شاه نسبت به خانواده های آنها آگاه گردند . بعنوان مثال تهیه و انتشار مقالات افشاگر در روزنامه های محلی ، پخش اعلامیه ، تماس با شخصیت ها و سازمان های دمکراتیک و مترقی ، جمع آوری امضا و ارسال آن به کمیسیون حقوق بشر میتوانند مورد استفاده قرار گیرند .  
 ابتکار " کمیته ایرانی - آلمانی برای تأمین آزادی های دمکراتیک در ایران " بسیار جالب است و میتواند و باید مورد استقبال و سرمشق قرار گیرد ( مراجعه کنید به شماره ۶ آرمان سال اول ) .

زندانیان سیاسی ایران بخاطر آزادی ، سعادت و رفاه خلق های ایران در می نهند و هر روز مورد تجاوز و اهانت و شکنجه قرار میگیرند .

آنسان را از یاد نبریم !

به وظیفه میهنی خود آگاه باشیم !

تشدید ترور و اختناق

روزنامه فرانسوی لوموند اخیراً اطلاعیه بخش خارجی " سازمان نهضت آزادی ایران " را تحت عنوان " اختناق در ایران تشدید میابد " چاپ نموده است .

در این اطلاعیه چنین آمده است : " در اعتصاب اخیر شهر شاهی رژیم بر روی مردم آتش گشود و در نتیجه ۱۸ تن کشته و ۵۰۶ تن زخمی و قریب ۲۰۰ نفر دستگیر شدند .

در قم نیز در تظاهراتی که بمناسبت ۱۵ خرداد صورت گرفت ، در اثر تیراندازی ۱۰ تن کشته و ۴۰۰ نفر توقیف و زندانی شدند .  
 در ماه قبل نیز ۱۵۰ نفر از طلاب قم دستگیر شدند .

آیت العظمی مدت ششماه است که در زندان قم محبوس میباشد و بانسوطالقانی ، دختر یکی از شخصیت های مذهبی از ماه ژوئیه در زندان بسر میبرد .

# بازدارید

# ای

# رفیقان!

در پس دیوارهای تیره زندان تهران  
دشنة خود را نماید تیز دژخیم سیه جان  
قلبهائی می طپد در انتظاری مرگ گستر  
روح را لرزنده سازد از طنین زجر آور  
گریه آنده فزای کودکی همراه مادر ه  
باز از ما دیو خواهد چند قربانی دیگر  
بازدارید ای رفیقان!  
بازدارید ای رفیقان دست جلاد ستمگر!

بازدارید ای رفیقان دست دژخیم ستم را  
عاطل و بی بهره نگذارید وقت مغتنم را  
هان فروبندید بال جغد عدم را  
بانگ بردارید کاینجا پد نهاده ی زشتکاری  
در کمین جان پاکان هشته دام مرگباری  
بانگ بردارید کای خلق جهان در میهن ما  
سرب سوزانست پاسخ و گر پرسی از عدالت ه  
هر ره دیگر بود مسدود جز راه رذالت ه  
وصف ایران را مجوئید از خلال داستانشا ه  
نیست ایران کشور افسانه رنگ کامکاران ه  
کشور فقر است و زندان است و زجر و تیرباران!  
بانگ بردارید ه تاکی خون گلرنگ اسیران!  
دوستان در سایه دارند - منشینید خامش!  
زیر ساطور تیه کارند - منشینید خامش!

در پس دیوارهای تیره زندان تهران  
دشنة خود را نماید تیز دژخیم سیه جان  
قلبهائی می طپد در انتظاری مرگ گستر  
بازدارید ای رفیقان!  
بازدارید ای رفیقان دست جلاد ستمگر!  
دوستان خواهان امدادند سوشان دست یازید!  
سدی از پرخاش در راه جنایت بفرزاید!

# خلق عمان بیروز میشود

سیاست تجاوزه کارانه شاه در عمان با شکست های روزافزون مواجهه میشود

اخبار رسیده از عمان طی هفته های اخیر حاکی از شدت عملیات رزمی از جانب نیروهای میهن پرست از سوئی و دست زدن واحد های سلطان قابوس به اتفاق دستجات مزدور انگلیسی و ایرانی بعملیات وسیع نظامی در مرز های جمهوری دموکراتیک یمن از سوی دیگر است .  
به چند خبر توجه کنید :

— خبرگزاری تاس شوروی درباره نبردهای ۲۴ تا ۲۹ سپتامبر گزارش داد که در طی این مدت از جانب نیروهای نجاتبخش عملیات رزمی متعددی علیه نیروهای ارتجاع گرفته است که در طی آن آزادیخواهان از توپخانه نیز استفاده نموده و هفده نقطه استحکامی دشمن را نابود و ۲۸ افسر و سرباز را کشته و زخمی نمودند .

— جنبه خلق برای آزادی عمان " در اطلاعیه ای اعلام نمود که جنگجویان جبهه حملات هوایی دشمن را دفعه سه جنگنده ایرانی ، یک هلیکوپتر انگلیسی و یک جنگنده شکاری اردنی را بوسیله موشک های سام سرنگون کرده اند .

— در شانزدهم اکتبر ۷۵ نیز عملیات مشترکی ( با شرکت نیروهای زمینی هوائی و دریائی ) از جانب نیروهای قابوس ، انگلیس و ایران انجام پذیرفت که در طی آن نیروهای چترباز در غرب ظفار پیاده شدند . در نتیجه نبردهای سختی در این منطقه در گرفت که در طی آن خسارات جدی انسانی و تجهیزاتی به نیروهای مشترک ارتجاع وارد آمد .

این اخبار که حاکی از موفقیت های متعدد و درخشان نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی عمان است ، درست کنی بعد از اعلام نابودی نهائی نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی از جانب دستگاه های تبلیغاتی رژیم شاه بگوش جهانیان میرسد .

این اخبار از جانبی گواه جدیدی بر غلبه ناپذیر بودن خلق مبارز عمان و از سوی دیگر دلیل انکار ناپذیر دیگری بر دروغین بودن اخبار و اطلاعات رژیم در پیرامون جنگ در ظفار است .

خلق قهرمان و آزادی دوست عمان مدت . سال است که برای استقلال و آزادی خود و طرد سلطه دربار قرون وسطی ای قابوس و پدرش دست به مبارزه مسلحانه زده است و در این مبارزه از حمایت کلیه نیروهای ضد امپریالیست و ضد استعماری عجم در منطقه

چه در سراسر جهان برخوردار است •  
در ظفار نیز مانند ویتنام، گرچه به مقیاس کوچکتر، و در نیرو در مقابل یکدیگر صف  
آرایی نموده اند • در یکطرف نیروهای خواهان استقلال ملی و ترقی اجتماعی و در  
طرف دیگر نیروهای امپریالیسم و نئوکولونیالیسم و ارتجاع قرار دارند •

شاه خائن ایران با پیاده کردن ۱۱۰۰۰ هزار سرباز و افسر و ارسال مدرنترین  
تجهیزات نظامی در صف مقدم نیروهای ارتجاعی قرار دارد • او میخواهد با غلبه  
بر نیروهای استقلال طلب در عمان سلطه مطلق امپریالیسم و ارتجاع را بر خلیج فارس  
و شبه جزیره عربستان برقرار نماید •

پنتاگون نیز قصد دارد با ایجاد یک پایگاه نظامی در جزیره مصیره مواضع امپریالیسم  
امریکا را در خلیج فارس تحکیم و جریان بی خدشه سیر نفت را بسوی غرب امپریالیستی  
تضمین و موقعیت سلطان خائن عمان را تثبیت نماید •

سلطان قابوس در اقدامات خود علیه نهضت نجاتبخش عمان از کمک های نظامی و سیاسی  
و معنوی اردن هاشمی و عربستان سعودی نیز مستنصر است •

بدیهی است که خلق قهرمان عمان چون خلق پیروزمند ویتنام و دیگر خلق ها در مبارزه  
خود بخاطر استقلال ملی، آزادی و نوسازی کشور خود بی یار و یاور نیست • او در  
این مبارزه بی امان خود متکی به دوستان مقتدری است که از هر لحاظ به او کمک  
میرسانند • بهمین علت نیز رادیوی دولتی تهران و روزنامه های ساواک زده دربار  
باخشی بهمه درباره سلاح های مدرن انقلابیون داد سخن داده و فهرست وار از  
سلاح های موثری چون موشک های سام ۷، آتشبارهای آشبارگین و مسلسل های خود  
کار سیمونوف نام میبرند • این مبلغین رژیم در عین حال سعی میورزند علت اساسی  
موفقیت های درخشان جنگجویان عمان را در استعمال این سلاحها و نمود کنند •

بدون اینکه منکر موثر بودن این سلاحها باشیم، لازم میدانیم علت اساسی واقعی  
موفقیت های روزافزون نیروهای آزادبخش عمان را - علتی که شاه در عمان و امپریالیسم  
امریکا در ویتنام قادر بدرك آن نبوده و نیستند - یاد آور شویم • این علت عبارت است  
از امر عادلانه ای که خلق عمان بخاطر آن میوزند • این خلق بخاطر نوسازی  
استقلال و آزادی میهن خود مبارزه میکند، در حالیکه سربازان و افسران ایرانی به  
مثابه عاملین یک سیاست امپریالیستی، برای کشتار کودکان و سالخورگان و سوزاندن  
مزارع و یران کردن روستاها به عمان فرستاده شده اند •

ما یقین داریم که پیروزی غائی و نهائی از آن خلق قهرمان عمان خواهد بود و محمد  
رضا شاه را سرنوشتی جز سرنوشت ننگین امپریالیسم امریکا در ویتنام در انتظار نیست  
جوانان و دانشجویان دمکرات ایران بدین وسیله سیاست امپریالیستی شاه خائن را

محکوم و همدردی رزمجویانه خود را با خلق قهرمان عمان و پیشقراول آن " جبهه  
 خلق برای آزادی عمان " اعلام میدارد .

پیروز باد خلق قهرمان عمان !

ننگ ابدی بر محمد رضا شاه و اربابان امپریالیستی اش !



www.iran-archive.com

# در ستایش کار پنهانی

از : برت برشت

خوشایند است  
د پیکار طبقاتی  
رشته کلام را بدست گرفتن  
بلند و پریانگ  
به پیکار توده ها را  
فراخواندن  
ستمگران را  
لگد کوب کردن  
ستم کشان را  
رهانیدن \*

\*  
د شوار است و سپهره دار  
خسرد کاری روزانه  
سرسختانه و در خفا ،  
با متن شبکه حزب  
رو در روی  
لوله های تنگ سرمایه داران  
سخن گفتن ، ولی  
سخن گو را پنهان کردن  
پیروز شدن ، ولی  
پیروزی را پنهان کردن  
مردن ، ولی  
مورگ را نهان داشتن  
کیست که زیاد نکوشد  
برای شهرت و افتخار  
اما آنکه برای سکوت  
بکند ، کو ؟  
چرا که شهرت و افتخار  
بیهوده  
جویای کنندگان  
کار بزرگ است \*

☆  
گام به پیش نهمید  
برای يك لحظه  
ناشناسان !  
با چهره های پوشیده  
و به پذیرید  
سیاس ما را



## داستانی واقعی از شرکت زنان ایران در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

زنان مترقی ایران همیشه برای احقاق حقوق خود، برای آزادی و استقلال میهن، علیه بیعدالتی های اجتماعی، علیه استعمار و ارتجاع دوش بدوش مردان مبارزه کرده اند و آنها در دوران مبارزات مخفی نقش مهمی داشته اند و بخصوص این نقش را در آزاد کردن زندانیان سیاسی بطور موفقیت آمیز بکار میبردند. از جمله در جریان فرارهایی که از زندانهای مختلف انجام گرفته، زنان شرکت داشته اند.

داستانی که در زیر می آید، یک داستان واقعی درباره فراریسک زندانی سیاسی سرشناس است، که نقش عمده آنرا یک زن جوان بر عهده داشته است. ما از مولف و فرستنده این نوشته، که در واقع یک سند تاریخی است، مصیمانه سپاسگزاریم.

آرمان

آنروز جمعه بود - روز ملاقات با زندانیان - زن جوانی با جعبه شیرینی و دستپه گل در دست، از در بزرگ زندان موقت دربان وارد محوطه شد، چند جمله خیلی کوتاه با مرد جوانی که در آنجا منتظر بود رد و بدل کرد و ضمناً از او پرسید :

- راستی ساعت چند است ؟

- پنج دقیقه به پنج .

ن جوان به ساعتی نگاه انداخت و گفت :



— خوب و پس سر ساعت پنج .

سپس با چابکی از پله های سمت چپ به طرف طبقه دوم عمارت بالا رفت .  
راهروی طبقه دوم طویل بود و به دو قسمت تقسیم میشد ، باین ترتیب که در وسط پله میخورد و قسمت عقب آن بالاتر از قسمت جلو قرار داشت . این دو قسمت در روی پله ها بوسیله دری از هم جدا میشدند . این در تمام روز باز بود . در قسمت جلوی راهرو ، طرف راست ، اطاق افسر نگهبان و دفتر زندان ، در طرف چپ توالت ، که هم زندانیان و هم ملاقاتی ها از آن استفاده میکردند ، و در قسمت عقب راهرو اطاقهای زندانیان قرار داشت .

کسانی که با این زندان آشنا هستند میدانند که اطاق های طبقه دوم این زندان فقط از این لحاظ به زندان شبیه بودند که هر يك دريچه کوچکی در راهرو داشتند و يك نگهبان پشت آن پاس میداد . اگر زندانیان احتیاجی داشتند به دريچه میزدند ، نگهبان آنها باز میکرد و تقاضای زندانی را ، اگر قابل اجرا بود ، انجام میداد ، و اگر نگهبان به استوار نگهبان مراجعه میکرد و استوار تصمیم میگرفت .  
در این طبقه از عمارت زندان فقط زندانیان کله گنده را — چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ جنائی — زندانی میکردند تا تکلیفشان روشن شود .

زن جوان وارد قسمت عقب راهرو شد و به نگهبانی که آنجا ایستاده بود گفت که میخواهد با سروان . . . . ملاقات کند . نگهبان به استوار مراجعه کرد . استوار پیش آمد و گفت :

— خانم ! وقت ملاقات گذشته ، انشاء الله هفته دیگر !  
در حقیقت هم وقت ملاقات گذشته بود . فقط دو نفر که مشغول خداحافظی بایک سر بودند ، خداحافظی را کس میدادند . زن جوان با قاطعیت گفت :  
— من حتما باید با جناب سروان . . . . ملاقات کنم .  
استوار گفت :

— خانم ، جناب سروان را تازه دیروز اینجا آورده اند و هنوز اجازه ملاقات به ایشان نداده اند .

زن جوان با خنده گفت :  
— اختیار دارید سرکار ! شما خودتان هم میدانید که برای جناب سروان این حرفها معنی ندارد ، ضمناً به ساعتش نگاه کرد . درست سر ساعت پنج بود .  
در همین لحظه میبایستی قندکی در حیاط بعنوان آتش زدن سیگار روشن شود . آن حیاط شب و روز تحت مراقبت پاسداران بود ، ولی هیچکس نمیتوانست نسبت به مرد جو شیک پوشی که سیگارش را آتش میزند ، کمترین سوءظنی پیدا کند .

چند ثانیه نگذشت که زندانی آخرین اطاق دست راست به دريچه کوفت . نگهبان دريچه را باز کرد . زندانی چیزی گفت . نگهبان در اطاق را باز کرد ، زندانی را جلو

انداخت و خود از عقب او به طرف توالت رهسپار شدند .  
 دو نفر ملاقاتی از سرهنگ خد احافظی کردند و رفتند . سرهنگ خود را داخل  
 صحبت کرد و گفت :

— سرکار ! اشکالی ندارد . بگذار خانم بیرون تو به دسته گل و شیرینی را می‌دهند  
 و زود برمیگردند . چند دقیقه بیشتر طول نخواهد کشید . خانم البته خودشان  
 " اهل معرفت " اند !

این جمله " اهل معرفت اند " دو تعبیر داشت : یکی اینکه خانم زود برمیگردند  
 و اسباب زحمت تو نخواهند شد . دوم اینکه لایذ خانم حاضرند در برابر ملاقات  
 با سروان . . . . . مقداری رشوه بدهند . سرهنگ با چشمک زدن معنی دوپاروشن کژ  
 استوار گفت :

— جناب سرهنگ ! مسئولیت دارد .

در حقیقت هم این جناب سروان را به جرم اختلاس بزرگی دستگیر کرده بودند و هنوز  
 ملاقات نداشت . به زن جوان سفارش شده بود که مبادا استوار را با پول تطمیع کند ،  
 چون ممکن است استوار قبول کند و به او اجازه ورود به اطاق سروان را بدهد .  
 آنوقت معلوم نبود چه پیش خواهد آمد . آخر این زن جوان اصلا این جناب سروان  
 را نمیشناخت !

استوار سخت مشغول توضیح دادن بود و دلیل می آورد که نمیتواند اجازه ملاقات  
 بدهد . آخر او هم زن و بچه دارد و خانم راضی نخواهند شد که بیچاره شود .  
 زن جوان از اصرار دست برنمیداشت و مرتباً جمله : " اختیار دارید سرکار ! ،  
 خودتان هم میدانید که این حرفها اصلا مطرح نیست " را تکرار میکرد و اضافه  
 مینمود که حتماً جناب سروان بعداً از خجالت شما در خواهند آمد .

استوار به زن جوان نزدیکتر شد و در حالیکه نیشش تا بناگوش باز شد ، بود بنظر میرسید  
 که میخواهد طبق گفته سرهنگ معامله کند . زن جوان جریان راهروی جلوشی رامی  
 پائید و در موقعی که زندانی به توالت رفت با بیصبری گفت :

— خوب دیگه اجازه دادید ! و با گفتن این جمله با سرعت بطرف وسط راهروی عقب  
 براه افتاد . استوار بدنبالش دوید و بدین ترتیب دیگر بهیچوجه نمیتوانست ببیند که  
 در راهروی جلو چه میگردد .

زن جوان با اینکه میدانست در چه فقط از طرف راهرو باز میشود ، ولی برای اینکه  
 توجه کامل استوار و نگهبانان را به خود جلب کند و در ضمن خود را بی اطلاع نشان  
 دهد ، با انگشت چند ضربه به درچه اطاق جناب سروان زد . ( از کجا میدانست  
 سروان . . . . . بخصوص در این اطاق زندانی است ؟ ! )

استوار که دیگر از خود بیخود شده بود بدون توجه به این امر که این خانم از کجا  
 اطاق سروان . . . . . را میداند ، با ناراحتی فریاد زد :

— خانم چکار میکنید ؟ اینکه وضعیت همیشه !

زن جوان برگشت و رو بروی استوار ایستاد و بدین ترتیب توانست تمام طول راهرو جلو را زیر نظر بگیرد . پس از چندی مردی در لباس شخصی و با عینک از توالت بیرون آمد . نگهبان دم در توالت نیز مانند سایر نگهبانان چنان غرق در گفتگوی بین استوار و زن جوان شده بود که بهیچوجه متوجه خروج کسی از توالت نشد . آخر این خانم خیلی شلوغ کرده بود !

طبق قرار ، مرد ناشناس طول راهروی جلویی را به طرف پله ها پیمود ، با چالاکي از پله ها سرازیر شد و به طرف در خروجی بزرگ زندان دژبان رفت . در خیابان منتظر او بودند .

زن جوان مأموریت خود را انجام داده بود . لذا خنده کتان به استوار گفت :  
— عصبانی نشوید سرکار ! حالا که برای شما مسئولیت دارد ، من هم راضی به ناراحتی شما نیستم . خواهش میکنم این دسته گل و جعبه شیرینی را به جناب سروان بدهید و سلام زیاد برسانید . اسم من " صفا " است .  
استوار حیرت زده از اینکه چرا ناگهان خانم دست از اصرار برداشت ، گفت :  
— حالا این یک چیزی شد !

دیگر درنگ جایز نبود . زن جوان ضمن خداحافظی گفته استوار را که گفته بود " انشاءاله هفته دیگر " تکرار کرد و با آرامش راهرو را پیمود ، در انتهای راهرو دست خود را بعنوان خداحافظی امریکائی ، تکان داد و " بای بای " گفت ( آخر نییست هیچ چیز این زن جوان به یک توده ای شباهت داشته باشد ) ، از پله ها سرازیر گشته وارد خیابان گردید و در کوچه دست چپ ، که به طرف چهارراه حسن آباد میرفت ، ناپدید شد .

\*\*\*\*\*

پس از نیم ساعت آژیر دادند . استوار و نگهبانانش به خیابان ریختند . زن سالخورده ای که خود را به لباس خدمتکاران آراسته بود و گویا " تصادفا " از خیابان میگدشت ، درست جهت عکس را به آنها نشان داد .

فردا صبح روزنامه ها نوشتند : توده ای ها دستبرد جدیدی به زندان دژبان زده اند و یک زندانی را نجات داده اند .

یادداشتی در جیب لباسهای زندانی فراری در توالت زندان موقت دژبان خطاب به سپهبد رزم آرا ( رئیس ستاد ارتش ) پیدا شد . که مضمونش از اینقرار است :  
من در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۲۵ طبق ماده ۵ فرمان ۵۰۵۸ — بزرگ ۱۷۷ — پیرونده حاضر مورد غوغا قرار گرفته بودم و این غوغا طبق مکاتبات متعدد بین من و ستاد ارتش با صراحت تمام شامل همه جرائم مورد ادعای ستاد ارتش تا آن تاریخ است .  
بعد از اینکه در ۱۷ فروردین ۱۳۲۶ اینجانب به وسیله مأمورین دژبان جلب و

زندانی گردیدم، شرایطی که در شب اول زندانی از طرف دژبان بوجود آورد، بوده نشان میداد که موضوع تعقیب، برخلاف ادعای ماورین، فقط بعلت غیبت از دانشکده فنی نیست، بلکه بهانه‌ای برای دیواره به صحنه کشیدن تمام پرونده‌های ساختگی قبلی است؛ زیرا اگر من فقط بعلت غیبت زندانی شده بودم، لازم نبود که زندان من انفرادی باشد، لازم نبود چراغ خوابگاه تا صبح روشن باشد، لازم نبود در اطراف زندان باز باشد و یک نگهبان مسلح به تفنگ، بدون آنکه چشم برهم بزند، و دائماً به من نگاه کند و لازم نبود که حتی قلم خود نویس‌مرا، که فقط شبیه اژدر است، از من بگیرند و در دفتر زندان توقیف کنند و همچنین اعمال فشارهای دیگر، از جمله ندادن ملاقات، و در من ایجاد این فکر را کرد که دستگاه تعقیب نظرخشن تری دارد بهمین جهت فردای آنروز نامه‌ای به ستاد ارتش نوشتم و توضیح دادم که شرایط سخت مراقبت حکایت میکند که ستاد ارتش تعهدات خود را لغو کرده و تعقیب من تنها بعلت غیبت نیست.

در نوزدهم فروردین نامه‌ای از طرف ستاد ارتش تحت عنوان خیلی خیلی فوری به اینجانب ابلاغ شد. مفهوم نامه این بود که شما فقط بعلت غیبت تحت تعقیب هستید ولی در محضر بازپرسی، چون من از دادن جواب به سئوالاتی که مربوط به غیبت نبود خود داری کردم، نامه‌ای بتاريخ ۶ فروردین (یعنی ۱۳ روز قبل از نامه نامبرده در بالا و ۴ روز قبل از توقیف من) به من ارائه دادند که از طرف ستاد ارتش خطاب به دادرسی ارتش نوشته شده بود. دایره براینکه با ارسال ۱۳ پرونده مربوط به تحقیق و شکایات خانواده‌های افسران فراری و مربوط به وقایع آذربایجان، سروان روزبه را تحت تعقیب قرار دهید.

وقتی من به تضاد این دو نامه واقف شدم حق داشتم سوئظن پیدا کنم. از همه بیشتر این موضوع مایه تعجب من شد که دستگاه ارتش چرا نمیخواست قضیه را بی‌پرده بیان کند، مگر خجالتی در بین بود؟ چه لزومی داشت که مرا اغفال کنند؟ من در پشت این پرده عواقب نامیمونی را پیش‌بینی کردم. این سوئظن بجای خود باقی بود تا اینکه ملاقات من آزاد شد. اطلاعات مختلفی بمن رسید مبنی براینکه دادرسی ارتش تصمیم دارد بنام اینکه این ۱۳ پرونده مربوط به وقایع آذربایجان است، پس از بازپرسی‌های لازم از خود سلب صلاحیت نماید و مرا به دادگاه زمان جنگ آذربایجان بفرستد. در این عمل باید چنان سرعتی بخرج داده شود که قبل از ورود شاه به آذربایجان و قبل از اعلام یکدرجه تخفیف، حکم پیش‌بینی شد را سپیده دم بموقع اجرا بگذارند. چون این اطلاعات منابع مختلفی داشت نمیتوانست ناصحیح باشد. سوئظن من درباره اینکه ستاد ارتش تعهدات خود را لغو کرده بود کاملاً درست از آب درآمد. بنابراین من نیز طبق ماده ۴۱ از قانون مجازات عمومی که میگوید:

" هر کسی که بر حسب ضرورت برای دفاع و حفظ نفس و یا ناموس خود  
 " مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد و همچنین است کسی  
 " که بواسطه اجبار برخلاف میل خود مجبور به ارتکاب جرم گردیده  
 " و احتراز از آنهم ممکن نبوده است... الی آخر "

تشس  
 در مقابل آن عهد شکنی و در مقابل خلف وعده و در مقابل نادیده گرفتن فرمان آر  
 ناچار حق دارم مثل يك فرد زند به از حقوق فردی خود دفاع کنم . بهمین جهت  
 تصمیم به فرار گرفتم و به اجراء گذاشتم و بدین طریق به ناجوانمردی های شما  
 پاسخ میگویم .

خسرو روزبه



نمایشنامه کاوه آهنگر

تاکی خاموشید شما ، ای توده چکش و داس در دست ، و تا کی خاموشید شما ،  
 ای توده قلم در یسد !  
 تو ای کارگر خاموش منشین و چکست را مخکتر از همیشه در دست بگیر و  
 تو ای دهقان داس را بهتر از همیشه تیز کن ! و  
 من قلم را در دست میگیرم ، من با قلم طرحی خواهم ریخت ، تو با داس ریشه  
 دشمن را از خاک بگیر ، و تو با چکست بر فرقه زن و  
 آیندگان تاریخ را ورق میزنند ، آنگه است که ما نمایشنامه کاوه آهنگر را بر روی  
 پرده آورده ایم .

# پرتغال نباید شیلی دوم شود

امپریالیسم و ارتجاع پرتغال میخواهند  
انقلاب پرتغال را به خاک و خون  
بکشانند و مواضع از دست رفته  
را باز ستانند !!

یکسال و نیم از انقلاب موفقیت آمیز نیروهای مترقی و دمکرات پرتغال که بر پایه اتحاد خلق با " جنبش نیروهای مسلح " قرار دارد، میگذرد .  
در این مدت کوتاه خلق پرتغال به دستاوردهای عظیمی نائل شده است :  
خلق سرنگونی رژیم ۵۰ ساله فاشیسم در پرتغال ، استقرار آزادی های دمکراتیک برای پرتغال و حل مسئله مستعمرات پرتغال بنفع استقلال و آزادی این خلق های در پینده و همچنین ملی کردن بخش هایی از اقتصاد و بانکها و بالاخره تدارک و بجزایر آندلس و فرم ارضی . این اقدامات زمینه اساسی را برای اجراء تدابیر مترقی بعدی دولت های چهارم و پنجم تحت نخست وزیر ژنرال واسکو گون سالوش ایجاد کردند .  
ضمن تمام این موفقیت ها اتحاد خلق با " جنبش نیروهای مسلح " بود .  
ارتجاع داخلی کوشید با کودتای نافرجام ۱۱ مارس ۱۹۷۵، بسرکردگی اسپینولا، رئیس جمهور سابق از رشد انقلاب جلوگیری کند، ولی عدم موفقیت کودتا و فرار اسپینولا پایان کوشش آنها نبود .  
پس از آن و بخصوص با بسرکار آمدن حکومت چهارم و پنجم موقت که بیان کننده طمعیت انقلاب و عزم آن به اجرای فرم های بنیادی بود، باز یکبار دیگر در تاریخ ۱۵۰ ساله جنبش کارگری اروپائی گرگان در لباس میش که خود را " نمایندگان سوسیالیست " طبقه کارگر قلمداد میکنند با شدت بیشتری وارد معرکه شدند .  
رهبری دست راستی سوسیال دمکراسی اروپای غربی که هدفی جز حفظ سیطره سرمایه داری ندارد، بکمک " سوسیالیست " های پرتغالی از قماش ماریو سوارش و همگام با عمال سیا و کلیسای کاتولیک دست به تحریک علیه حکومت گون سالوش زدند .  
" سوسیالیست " ها و دیگر نیروهای ضد خلقی از حکومت ائتلافی خارج شدند و به اختلافات موجود در " جنبش نیروهای مسلح " دامن زدند . بویژه در شمال کشور، که مرکز نیروهای ارتجاعي است، ارتجاع بکمک کلیسای کاتولیک دست به جنایت علیه کمونیست ها و سایر نیروهای مترقی و دمکرات زد . خانه ها و مراکز کار و فعالیت آنها را آتش زدند و حتی از آدمکشی هم ابائی نکردند .

پشتیبانی ارتجاع داخلی و خارجی از افسران جاه طلب و بی تجربه به ایجاد شکافی در میان " جنبش نیروهای مسلح " انجامید و در نتیجه حکومت ششم موقت گون سالو مجبور به کناره گیری شد .

حکومت کنونی آزدو و ، که بطور کلی در جهت راست حرکت میکند ، در صدد تحدید انقلاب و ازین بردن دستاورد های آنست .

نیروهای مترقی و دمکرات پرتغال با افشاگری و تجهیز توده های مردم ، چه در داخل و چه در خارج از ارتش علیه اقدامات ارتجاعی دولت آزدو و بمقابله پرداخته و تابع از سقوط کامل آن به راست جلوگیری کرده اند . آنها اعلام کرده اند که با قاطعیت به مبارزه خود برای حفظ دستاورد های انقلاب و پیشبرد آن ادامه خواهند داد .

ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی بیکار ننشسته اند و نخواهند نشست . لکن دفاع از انقلاب پرتغال و پشتیبانی از نیروهای مترقی و دمکرات آن ، کمک به تحکیم اتحاد خلق با " جنبش نیروهای مسلح " نه فقط وظیفه نیروهای انقلابی پرتغال است ، بلکه وظیفه تاریخی تمام آزادیخواهان ، دمکرات ها و انساندوستان سراسر جهان میباشد .

مردم دمکرات و مترقی میهن ما که در د و رنج وارده از طرف ارتجاع داخلی و امپریالیسم را هنوز که هنوز است روی پوست و گوشت خود احساس میکنند ، عمیقاً با انقلابیون و دمکرات های پرتغال ابراز همبستگی کرده و از آنها پشتیبانی میکنند .

ما جوانان و دانشجویان دمکرات ایران وظیفه خود میدانیم با بکار انداختن تمام امکانات خود بکمک همزمان پرتغالی خود بشتابیم !

- از سیمای پلید ارتجاع پرتغال پرده دریم ،
- نقش سیا و دیگر سازمانهای جاسوسی امپریالیستی را افشاء سازیم ،
- با کمک مالی و معنوی دیگر دین خود را به انقلاب پرتغال ادا کنیم .



کمک های مالی خود را برای پشتیبانی از نیروهای مترقی  
و دمکرات پرتغال به شماره بانکی آرمان G. Sobisch  
تحت عنوان " پرتغال " ارسال دارید .  
Kreisspar-  
kasse Recklinghausen

Fil. Dorsten-Holsterhausen, Girokonto 1656974

# افشا رژی م شاه

در محافل دانشجویی آلمان غربی

در روزهای ۸ تا ۱۰ اکتبر ۱۹۷۵ چهارمین کنگره سالیانه "اتحادیه دانشجویان مارکسیست - اسپارتاکوس"

MARXISTISCHER STUDENTENBUND-SPARTAKUS

در شهر کلن برگزار شد.

هیئت نمایندگی دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات نیز بنا به دعوت قبلی (رجوع شود به آرمان شماره ۵ - سال اول) در این کنگره شرکت کرد.

هیئت نمایندگی دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (اودیسی ODYSI) در روز اول کنگره در مقابل ۵۰۰ نفر نماینده شرکت کننده در آن نطق ایراد کرد. در این سخنرانی شنوندگان با شرایط ترور و اختناق در ایران و وضع زندانیان سیاسی آشنا شدند.

در زیر بخش های عمده این سخنرانی را به اطلاع خوانندگان آرمان میرسانیم.

## رفقای عزیز!

بنام سازمان خود صمیمانه ترین درود های رزمجویانه خود را بشما نمایندگان چهارمین کنگره سالیانه اتحادیه دانشجویان مارکسیست - اسپارتاکوس و توسط شما به تمام اعضای سازمانتان ابلاغ می‌دارم.

اتحادیه دانشجویان مارکسیست - اسپارتاکوس و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در دو جبهه مختلف ولی علیه دشمن واحد یعنی امپریالیسم جهانی مبارزه می‌کنند. مبارزات شما بخاطر یک دمکراسی ضد انحصاری، در عین حال مبارزه ای است علیه ارتجاع بین المللی که رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک شاه بر آن تکیه دارد. نفوذ فزاینده نیروهای ضد انحصاری و دمکراتیک پیگیر در دانشگاه های آلمان غربی بدون تاثیر در افزایش آگاهی دانشجویان کشور ما که در کنار شما به تحصیل مشغول اند نخواهد ماند.

نمایندگه اودیسی پس از آرزوی موفقیت کنگره به مسائل ایران پرداخت و چنین ادامه داد:

در سال گذشته در ایران مبارزات توده ای علیه رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک اعتلای مجدد یافت. تنها در ماه های بین آوریل و ژوئیه ۵ دانشگاه کشور بخاطر مبارزات ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری دانشجویان از طرف سازمان تروریستی امنیست تعطیل گشت. رژیم شاه میخواست سال تحصیلی را در این دانشگاه ها برسمیت



شناسد .

در ۳ ماه اخیر ۳ اعتصاب کارگری مهم اتفاق افتاد . اوائل ژوئیه در شاهى ۱۵۰۰ کارگر نساجى اعتصاب کردند . رژیم ضد خلقى شاه دستور حمله به کارگران اعتصابى را داد که در طى آن ۴ کارگر به قتل رسیدند و ۱۴ نفر شدیداً مجروح شدند . خبر اعتصاب با سرعت باد بشهر های مجاور رسید و در شهر بهشهر نیز کارگران نسبتاً دست به اعتصاب خونین ولى موفقیت آمیزی زدند . دانشجویان دانشسرای بابل با برگزاری نمایش همبستگی با کارگران اعتصابى از مردم خواستند که از اعتصاب کارگران پشتیبانى کنند . این خواست از طرف مردم بابل حسن استقبال شد .

همزمان با این دو اعتصاب ۹۰۰ کارمند و کارگر برق تهران به این علت که بخواست هایشان ترتیب اثر داده نشده بود ، دست از کار کشیده و در مقابل عمارت مرکزی برق تجمع کردند . خواست اعتصابیون پرداخت اضافه دستمزدى بود که قبلاً مورد موافقت قرار گرفته بود ، ولى کارفرمایان از پرداخت آن طفره میرفتند .

ویژگی این جنبش های توده ای در اینستکه :

۱ - این اعتصابات چه در کارخانه ها و چه در دانشگاه ها در شرایط کنترل شدیدی این مراکز کارگری و دانشجویی توسط ساواک پریا میشود و هر رفتار غیر عادی به دستگیری فرد میانجامد .

۲ - مبارزه و تاثیر طبقه کارگر در حیات سیاسى و اجتماعى ایران روبه فزونى است و در عین حال همکارى و همدردى بین دانشجویان و کارگران عمیقتر میشود .

رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک شاه هر روز بیشتر منفرد میشود . جنگ تجاوزکارانه رژیم شاه علیه جنبش آزادببخش ظفار از طرف اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران محکوم است . قبول نقش ژاندارم امپریالیسم در منطقه برای رژیم شاه علاوه بر بدنامی تجاوز و سیطره طلبى ، انفراد وی را نزد خلق های منطقه - و نه فقط در آنجا - بهمراه آورد .

هدف رژیم شاه از قبول نقش ژاندارم منطقه چنین است :

۱ - توطئه علیه حکومت های مترقى و ضد امپریالیست در منطقه و کوشش برای سرنگون ساختن آنها

۲ - سرکوبى جنبش های آزادببخش در این ناحیه

۳ - حفظ و تحکیم منافع امپریالیسم امریکا و انگلیس در این حوزه .  
برای نائل آمدن به این هدف رژیم شاه بطور دیوانه وار خود را با کمک امپریالیست ها مسلح میکند . حیات سیاسى و اجتماعى ایران بیش از پیش از پیش میلیتاریزه میشود . فقط در سال جاری برای این منظور ۴۱۰ میلیارد دلار بودجه خرج شده است .

عواقب چنین سیاستی فقر فزاینده توده های مردم و تورم مییابد .  
 مقاومت خلق در مقابل این سیاست کشور بر باد ده شاه روز بروز افزایش مییابد .  
 خیانتی است بزرگ ، وقتیکه رهبری مائوئیستی چین و گروهک های مائوئیستی در تمام  
 جهان از جمله گروههای مائوئیستی ایرانی در آلمان غربی و همچنین همپالگی های  
 آلمانیسان این سیاست ارتجاعی را " ضد استعماری و ضد امپریالیستی " و در جهت تا  
 " استقلال ملی " می شمارند .

رژیم شاه میکوشد با ترور ، بازداشت ، شکنجه و تیرباران مقاومت توده های مردم را  
 در هم شکند . فقط در ۴ ماه اخیر در ایران ۲۱ میهن پرست به قتل رسیده اند و  
 چندین هزار نفر به بند کشیده شده اند .  
 حتی زندانیان سیاسی ای که مدت زندانشان سپری شده است ، به دستور مستقیم  
 شاه ، از زندان آزاد نمیشوند .

یکی از نمودار های تشدید ترور در ایران تجدید نظر در قانون دادرسی ارتش  
 ( قانون سیاه ) ، ۱۳۱۰ ( مورخ ۲۹ مرداد امسال است . طبق این قانون هر فردی  
 چه در داخل و چه در خارج از کشور علیه رژیم شاه فعالیت و تبلیغ کند به حبس ابد  
 یا مرگ محکوم میشود .

سیاست ضد ملی و ضد دمکراتیک شاه و شیوه های معمول فاشیستی رژیم تمام نیروها<sup>ی</sup>  
 مخالف را به این نتیجه رسانیده است که سرنگونی این رژیم اولین شرط در راه تکامل  
 دمکراتیک آینده کشور مییابد . برای دسترسی به این هدف ، وحدت عمل و تشدید  
 مبارزه تمام نیروهای ضد رژیم شرط اساسی است .

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در داخل کشور و دبیرخانه خارجی آن  
 در خارج از کشور در این راه مبارزه میکنند و میکوشند با افشاگری رژیم شاه یسک  
 جنبش وسیع همبستگی با مبارزات حق طلبانه مردم ایران در خارج از کشور بوجود  
 آورند .

نمایندگان ماودیزی در خاتمه گفتارش با تشکر از دعوتی که از سازمان جوانان و دانشجویان  
 دمکرات برای شرکت در کنگره دانشجویان مارکسیست - اسپارتاکوس بعمل آمده بود  
 قدر دانی کرد و اظهار داشت که " ما به پشتیبانی شما در مبارزه مان علیه رژیم شاه  
 متکی بوده و آنرا در فعالیت روزمره خود احساس میکنیم .

ما مطمئن هستیم که پیروزی از آن ماست !

زنده باد همبستگی بین المللی علیه ارتجاع و امپریالیسم !

در این هنگام ۵۰۰ نماینده کنگره بپا خاستند و کف زدنهای متحد و پر شور فریاد میزدند :  
 زنده باد همبستگی بین المللی ، زنده باد همبستگی بین دانشجویان ایران و آلمان فدرال ،  
 پیروز باد ماودیزی .

سپس استفان لن دورف Steffen Lehndorf صدر رهبری اسپارتاکوس پس از سخنرانی نماینده اودیسی پشتیبانی اسپارتاکوس را از مبارزه جوانان و دانشجویان ایرانی اعلام کرد و اظهار داشت: "تاکنون علت فقدان همکاری بین اسپارتاکوس و دانشجویان ایرانی نفوذ مائوئیست‌ها در کفدراسیون بود که مبارزه علیه رژیم شاه را از مسیر اصلی خود منحرف ساخته و نیروی کفدراسیون را با سوق دادن آن در جهت مبارزات گروهی تلف کرده اند و اکنون نیز این روند ادامه دارد. این سیاست موجب پیدایش انشعاب در کفدراسیون گشت و مبارزات ضد رژیمی آنرا فلج کرد."

سپس استفان لن دورف به سخنان خود چنین ادامه داد: "بسیار خوشبختیم که اینکه عناصر آگاه جنبش جوانان و دانشجویان ایران سازمان خود را بوجود آورده اند. ما این سازمان را سازمان برادر خود میدانیم و از هیچ گونه کمکی به ایمن سازمان که پیشتر از پیکار ضد رژیم جوانان و دانشجویان ایرانی گردیده است، خودداری نخواهیم کرد." استفان لن دورف سخنان خود را با شعار: "زنده باد همبستگی بین سازمانها" ما اسپارتاکوس و اودیسی" پایان داد.

## از هر امکانی برای افشایگری

### رژیم منفور شاه استفاده کنیم

غذای مونتساز شد

اخیرا دانشجویان دانشگاه اصفهان بعلمت بدی غذای ناهارخوری ایمن دانشگاه... بعنوان اعتراض همگی از رفتن به ناهار خوری خودداری کردند. در اثر این اقدام دانشجویان مسئول تدارکات دانشگاه اصفهان از طرف هیئت امنا، احضار میگردند و مورد بازخواست واقع میشوند. مسئول تدارکات میگوید زمانیکه گوشت از استرالیا، برنج ر سیب زمینی از امریکا، روغن از هلند و سبزی از اسرائیل وارد می شود نمیتوان انتظار داشت که غذای مونتازی از دیگر چیزهای مونتازی بهتر باشد. مسئول تدارکات پس از دادن این پاسخ از خدمت "مرخص" میگردد! بکجا؟

# ملاقات

هیئت نمایندگی  
دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و  
دانشجویان ایران بسا  
نمایندگان  
سازمان جوانان حزب کمونیست کوبا

کمیستی  
بنا به دعوت دبیر اول سازمان جوانان حزب کمونیست کوبا که در کنگره اتحادیه مار  
دانشجویان آلمان غربی M. S. B. شرکت داشت، ملاقاتی بین هیئت های  
نمایندگانی دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران ODYSI  
و سازمان جوانان حزب کمونیست کوبا صورت گرفت.  
دو هیئت نمایندگی در محیط رفیقانه ای به تبادل نظر درباره مسائل مورد علاقه  
پرداختند.

هیئت نمایندگی دبیرخانه خارجی ODYSI بسوالات رفقای کوبائی در مورد :

- ۱- وضع جامعه ایران
- ۲- زندگی و مبارزات جوانان و دانشجویان ایران
- ۳- برنامه و هدفهای ODYSI و شیوه و اشکال مبارزه این سازمان و همچنین
- ۴- ترور و اختناق در ایران پاسخ های لازم را داد.

کوبائی سوسیالیستی که میزبان فستیوال جوانان در سال ۱۹۷۸ است، هیئت نمایندگی  
سازمان جوانان حزب کمونیست کوبا هیئت نمایندگی اودیسی را در جریان چگونگی  
تدارک این جشنواره قرارداد و به سوالات نمایندگان دبیرخانه خارجی اودیسی  
در مورد نقش جوانان و دانشجویان کوبا چه قبل و چه در دوران ساختمان سوسیالیسم  
توضیح داد.

هیئت نمایندگی دبیرخانه خارجی اودیسی درخاتمه با اشاره به واقعیت کارمخفی  
برای مبارزان ایرانی در شرایط ترور و اختناق آمادگی خود را برای استفاده ازتمام  
امکانات برای ایفای سهم خود در برگزاری هرچه باشکوه تر فستیوال جوانان در سال  
۱۹۷۸ در کوبائی سوسیالیستی و منعکس کردن آن در بین محافل جوانان و دانشجو  
یان ایران اعلام کرد.

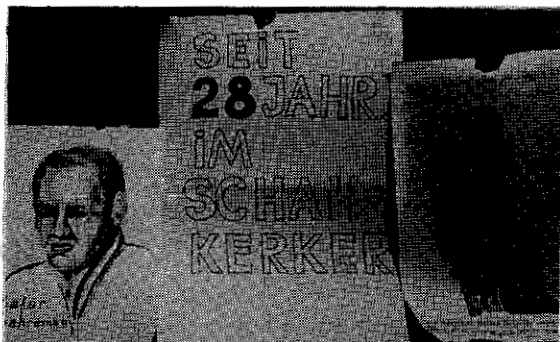
دو سازمان همبستگی برادرانه بین خود را تصریح کرده و تصمیم خود را برای ارتباط  
منظم اعلام داشتند.

# زحمتکشان آلمان فدرال

با کار و پیکار مردم ایران آشنا میشوند

در جشن سالیانه روزنامه او ست UZ، ارگان حزب کمونیست آلمان، که در روزهای ۲۱ و ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۵ در شهر دوسلدورف / آلمان غربی برگزار شد، جوانان و دانشجویان دمکرات ایران نیز شرکت کردند.

غرفه ای که حزب کمونیست آلمان جهت همبستگی با دمکرات های ایران در اختیار گذارد، برد از طرف جوانان و دانشجویان دمکرات ایران بشیوه شرقی تزئین شده بود. این غرفه در جنب غرفه های همبستگی با مبارزات خلق های شیپول، هاسیانیا و پرتغال قرار داشت.



عبدصفر قهرمانی که بیش از ۲۸ سال است در زندانهای شاه بسر میبرد و در غرفه همبستگی با دمکراتهای ایران مورد توجه بسیار قرار گرفت و نثرت بازدید کنندگان را علیه رژیم شاه برانگیخت

در غرفه همبستگی با دمکرات های ایران کسای رهای دستی ایران بمعرض نمایش و فروش گذارده شد. نمایشگاه عکس شهیدان راه آزادی ایران در رابطه با حکومت فاشیستی بخشی از کار توضیحی بود.



چنین پلاکتهای گوناگون از قبیل " از زندانیان سیاسی ایران دفاع کنیم " و " ایران نخواهد ماند " و " آزادی برای زنان ایران " و " شکجه در ایران " و همچنین تقویم های پارچه ای حاکی از شباهت حکومت شیلی با رژیم ایران به غرفه حالست رزمندگی ویژه ای داده بود .

جزوات افشاء کننده ای از قبیل " ایران سرزمین اختناق " و " نظامیگری در ایران " و " سازمان تروریستی ساواک " و " مانیفست برای آزادی و دفاع از زندانیان سیاسی " بمعرض فروش گذارده شد و بتعداد قابل توجهی از طرف بازدید کنندگان غرفه خریداری شد . موسیقی ایرانی و سرود های رزمجویانه نیز در غرفه محیط امید بخشسی بوجود آورده بود .

در بالای غرفه ، زیر عکس های دکتر تقی ارانی ، انقلابی و اندیشمند شهید ، خسرو روز قهرمان ملی ایران و انقلابی شهید پرویز حکمت جو معکس صفر قهرمانی ، کار پیک هنرمند ایرانی قرار داشت . در زیر این عکس جمله " بیش از ۲۸ سال در زندان شاه " نوشته شده بود . برای بسیاری از بازدید کنندگان غرفه تازگی داشت که در سیاهچالهای شاه زندانیان سیاسی ای هستند که بیش از ۲۸ سال است که در زندان بسر میبرند .

عکس دانشجوی آلمانی بنو اونه زورگ Beno Ohnesorg نیز که در تظاهرات ضد شاه در تاریخ ۲ ژوئن ۱۹۶۷ در برلن غربی کشته شد ، بعنوان همبستگی

دانشجویان آلمان با مبارزات دمکراتیک مردم ایران در غرفه نصب شده بود . در این جشن قریب نیم میلیون نفر از زحمتکشان و جوانان آلمان شرکت کردند . تعداد کثیری از شرکت کنندگان از غرفه " همبستگی با دمکرات های ایران " بازدید نمودند . غرفه همبستگی با دمکرات های ایران از طرف بسیاری از هموطنان بازدید و مورد استقبال فراوان قرار گرفت .

بازدید کنندگان به اشکال گوناگون و منجمله کمک مالی، خرید نثریات و پلاکاتها و اظهار  
 خشم نسبت به رژیم ترور و اختناق در ایران همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران  
 علیه دیکتاتوری فاشیستی شاه و امپریالیسم اعلام داشتند .



در روز ۲۲ سپتامبر صدر حزب کمونیست آلمان، هربرت میس و نایب رئیس آن هرمان  
 گوته از غرفه " همبستگی با دمکرات های ایران " بازدید کردند .  
 در محیط غرفه هربرت میس نطقی ایراد کرد . او در نطق خود همبستگی کامل  
 حزب کمونیست آلمان را با نیروهای ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی ایران اعلام نمود  
 و اظهار داشت که حزب کمونیست آلمان از هیچگونه کمکی به مبارزین ایران که در حیطه  
 امکانش باشد دریغ نخواهد کرد .



در این جشن جوانان و دانشجویان دمکرات ایران موفق شدند با جوانان شیلی، ویتنام، اسپانیا، پرتغال و ترکیه تماس برقرار و تبادل نظر نمایند. آنها در این گفتگوها از شرایط و نحوه مبارزه آنها مطلع و بنوبه خود اطلاعات جامعی از وضع ایران و مبارزه مردم ایران در اختیار دوستان خارجی گذاردند. در این برخورد هاهدا - یائی بعنوان همبستگی و یادبود رد و بدل شد.



### شورای عمومی فدراسیون سندیکائی جهانی رژیم شاه را افشاء میکند

.....

اجلاسیه شورای عمومی فدراسیون سندیکائی جهانی، بنماینده گی از جانب صد هامیلیون کارگر و زحمتکش جهان از ۲۷ تا ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۵ در پاریس تشکیل گردید. نمایندگان رسمی ۵۸ کشور از ۵ قاره و بیش از ۳۲ سازمان و مراکز سندیکائی دیگر و همچنین نمایندگان سندیکا های کارگری یوگسلاوی و الجزایر در این مجمع شرکت داشتند. در کنگره نهم آقای گرجانسون، دبیرکل فدراسیون، در گزارش خود به شورا تحت عنوان "امپریالیسم علیه دمکراسی و استقلال ملی خلق ها" چنین گفت "امپریالیسم امریکا باتکیه بر نیروهای ارتجاعی و فاشیستی در کشورها و استفاده از رژیم های تجاوزکار و توسعه طلب مانند برزیل، اسرائیل و ایران وغیره، که از طرف امریکا تجهیز و تقویت میشوند، بمثابه عناصرل امپریالیسم برای جلوگیری از استقرار و تحکیم حکومت های دمکراتیک و نیز واژگون ساختن حکومت هائیکه اقدامات ضد امپریالیستی و ضد انحصاری آنها خطری برای سلطه امپریالیسم امریکا ایجاد میکند، دست به توطئه و تجاوزات مسلحانه میزنند".

کنگره اعلامیه ای در همبستگی با زحمتکشان جهان به تصویب رسانید که طی آن از جمله چنین آمده است "در برزیل، در اروگوئه، در گواتمالا، در شیلی، در بولیوی، در پاراگوئه، در اندونزی و در ایران رژیم های دیکتاتوری مخالفان سیاسی خود و رهبران و فعالان سندیکائی را زندانی، شکنجه و ترور میکنند و ابتدائترین حقوق انسانی را پایمال میکنند".





## مائوئیست های آلمانی

### علیه توفان

در زیر نامه سرگشاده ای را که در روزنامه "آرپایتر کامپف" شماره ۶۱، ماه مه ۱۹۷۵ خطاب به "فدراسیون (مائوئیستی) دانشجویان ایرانی" در هیدلبرگ آلمان فدرال چاپ شده است میاوریم.

تذکر این مطلب لازم است که این روزنامه "ارگان بوند کمونیستها" میباشد، که خود مائوئیست و ضد شوروی هستند و فقط در یک مورد با رهبران پکن و گروهک های دیگر مائوئیستی اختلاف نظر دارند و آن اینست که آنها مخالف پشتیبانی چین از هر شخصی چون اشتراوس، پینه ته و شاه ایران هستند.

آرمان

"فدراسیون دانشجویان ایران"

رفقا!

شما ما را برای فعالیت مشترک جهت پشتیبانی از مبارزه مردم عمان دعوت کردید. اعلان شما از طرف  $kapd/ml$  (دو گروهک مائوئیست دیگر آلمانی) پشتیبانی میشوند و یعنی از گروههایی که بطوریکه اعلام کرده اند از تدارک جنگی امپریالیسم آلمان غربی پشتیبانی میکنند و کم و بیش موکداً یک "جبهه واحد" با گروه های فاشیستی راندارک میبینند. اعلامیه شما که حاوی اشاره هایی از قبیل "مبارزه دو ابر قدرت" و "هژمونی جوشی" اتحاد شوروی در خلیج فارس میباشد، این حدس را در انسان تشدید میکند که فعالیت های مربوط به عمان بایستی در این جهت سیر کنند.

ما به این مشی "سوسیال شوینیسیم" و "دفاع از میهن" همه جانبه پرداخته ایم و بجای تشریح مفصل آن توجه شما را به مقالات مربوطه در روزنامه آ.ک.ک. معطوف میکنیم. ما بر این عقیده ایم که این مشی که از بورژوازی امپریالیستی "دنیای دوم" (بویستره اروپای غربی) پشتیبانی میکند عبا منافع خلق های "جهان سوم" که برای آزادی خود مبارزه میکنند، در تضاد بوده و این خط نمیتواند متحدی برای این خلق ها باشد.

ما از اینکه در اعلامیه تان از پشتیبانی امپریالیسم آلمان فدرال از شاه و دیگر نیروهای ضد انقلابی در منطقه خلیج فارس اظهار نفرت شده است، شما درود میگوئید، باوجود این ما لیلیم در این رابطه توجه شما را به بیانات نایب نخست وزیر چین، لی هسین نین که بمناسبت دیدارش از ایران ایراد کرده است، معطوف داریم (رجوع شود به "پکن روندشاو" شماره ۱۵ سال ۷۵). او همچنین گفت: "امروز خاستی ایران تحت رهبری اعلیحضرت شاهنشاه در دفاع از تمامیت کشور و استقلال ملی استوار است. در مناسبات بین المللی ایران می گویند وحدت و همکاری خود را با دنیا سوم تشدید کند و بطور قاطعانه با سیاست قدرت و توسعه طلبانه

ابر قدرت ها مقابله میکند. ایران بدینوسیله سهم سود مندی (!!) در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استعماری و ضد سرکردگی خلق های جهان ادا میکند بنابراین پیگیر میبود اگر به پشتیبانی امپریالیسم آلمان فدرال از رژیم شاه بمثابه يك سهم با ارزش برای مساعی " سود مند " وی درود گفته میشد، عبارت دیگر بمثابه بیان اصطلاح " جبهه واحد خلق های جهان ۲ و ۳ علیه دو ابر قدرت " - لیست این نتیجه منطقی راهی است که شما میخواهید در اتحاد با گروه های طرفدار امپریالیسم KPD و KPD/ML در پیش بگیرید. ما آماده برای يك جدل فکری درباره این مسائل با شما هستیم ولی حاضر به پشتیبانی از فعالیت های که در جهت " سوسیال " شونیسم و " دفاع از میهن " سیر میکند نیستیم.

### جوایز نوبل " گزتینو "

روزنامه *l'Unita* در مقاله ای بتاريخ ۴ ماه اوت ۱۹۷۵ بقلم خبرنگار خود *Giorgio Bragaja* در پاسخ به مقاله ارتجاعی ایتالیائی با تکیه به مدارك منتشره از طرف جوانان و دانش جویان دمکرات ایرانی چنین مینویسد :

خبری که *Gazzettino* میدهد اهمیتش بیش از يك خبر در سطح محلی بوده و مارا با کسی که بعد از کیسنجر و دیگران جایزه نوبل صلح (و برادری؟) دریافت خواهد کرد آشنا میکند.

در روزنا *Verona* عده ای از صاحبان صنایع طی يك کنفرانس مطبوعاتی درباره سفر استطلاعی خود به ایران وامکانات توسعه فعالیت های صنعتی ما صحبت کردند. آنها بغیر از خیرهای تجاری خیری دادند که " گزتینو " با شادمانی به ذکر آن پرداخته و آن اینکه به شاه ایران جایزه " جمبو جت طلائی " *Jumbo Jet* " *d'oro* را داده اند و علت تقدیم جایزه نیز این است که " شاه مرد صلح در جهان است و یگانه هدفش از کار بلاوقفه و پیگیر پیشرفت و زندگی بهتر برای ملتش میباشد " - جوانان و دانشجویان دمکرات ایرانی، مطبوعات بین المللی و شعبه دادگاه راسل اعلان کرده اند که بیش از ۵۰۰ میهن پرست در چهار سال اخیر در ایران اعدام شده اند و شکجه امری عادی بود و فقط در ماه آوریل امسال ۲۱ میهن پرست بقتل رسیده اند که از آنها ۱ تن در زندان و زیر شکجه شهید شده اند.

# امان از دست بچه ها

علی قلچماق چشم دیدن بچه های محل را نداشت . او هرچه برای بالا بردن عزت و احترام خود پیش بچه های محل دروغ های گنده تری درباره زندگی گذشته محال و آینه ها اش میگفت ، بچه ها بیشتر دستش می انداختند .  
علی قلچماق سنش از پنجاه گذشته بود . تابستان ها لیموناد و دوغ آبعلی خودش<sup>خته</sup> میفرورخت و زمستان ها در نانواشی محل پادوشی میکرد . البته خودش معتقد بود که پیشکار نانواشی است .

یکی از داستانهای معروف او مربوط به زمانی بود که در دربار پهلوی مشغول بکار بوده است ، ظاهرا بعنوان رئیس آشپزخانه ، ولی غیر مستقیم به آدم حالی میکرد ، که در حقیقت چیزی بوده است شبیه به وزیر دربار ، منتها غیر رسمی . لیکن بعدها در اثر اختلافی که با اشرف پیدا میکند ، اشرف برایش نزد " مقامات بالا " میزند و باین جهت وی را از دربار اخراج میکنند .

جریان ماوقع را علی قلچماق اینطور تعریف میکند ، که : اشرف معمولا صبح ها ساعت ۷ صبح به آشپزخانه میامد ، و دستور تهیه غذای ظهر را به علی ، که گویا از همان وقت ها قلچماق بوده است ، میداده و در حدود ساعت ۱۱ مجدداً به آشپزخانه سر میزد ، تا غذا را بچشد و مطمئن شود که همه چیز طبق دلخواه است ، تا بسرو و سفرو را بچیند و منتظر بازگشت بچه ها از مدرسه بماند .  
علی آقا از همین بازدید های ساعت ۱۱ و توی دیگ و کماجدان نگاه کردن او سخت پکر بوده است .

به اینجای داستان که میرسید ، علی آقا سینه صاف میکرد و به سخن پردازی در بساره فلسفه استقلال عمل خود میپرداخت و میگفت : تا مین غذای ظهر و شب جهسا ن سلطنت بدست من سپرده شده بود ، من مسئولیت خود را میشناختم و به هیچکس اجازه نمیدادم که در امور این منطقه دخالت کند . حتی به اشرف .  
بعد سخن خود را قطع میکرد و دیگر چیزی نمیگفت . بچه ها میپرسیدند " خوب بعد چه شد ، علی آقا ؟ " و برای شنیدن داستان اصرار میکردند . آنوقت داستان ادامه پیدا میکرد و علی آقا میگفت : من چند بار به اشرف گفتم خانم جان در کار من دخالت نکن ، مگر من در کار شما دخالت میکنم ؟ که شما هر روز میائی و سردرد من من میکنی ؟ این حرف را چندین بار تکرار کردم ، ولی بخرج او نفرت که نفرت تا اینکه یکروز تصمیم خود را گرفتم و همینکه اشرف به آشپزخانه آمد و در دیگ را برداشت با ملاقه زدم پشت دستش و گفتم : دست خر کوتاه .  
ناگهان بچه ها شروع کردند به هو کردن و دم گرفتن .

علی آقا با ملاقه زد رو دسه الاغه

خون خون علی آقا را میخورد و از اینکه میدید بچه ها حتی این تکخال آرزوی او را غم جدی نمیگیرند بسیار عصبانی بود و بقصد کتک زدن بچه ها شروع میکرد به آنها حمله کردن و دنبالشان دویدن . . . . .

نی دانم چرا هر وقت رفتار و کردار "اعلیحضرت آریامهر" را می بینم یا حرف هایش را می شنوم بی اختیار بیاد علی قلچماق می افتم .

" شاهنشاه " هم از دست " بچه های دانشگاهی " دل پری دارد و هر وقت که فرصتی

دست بد هداز " تنبیه " بچه ها خود داری نمی کند . راستش را بخواهید بچه های

دانشگاهی هم بی تقصیر نیستند چون هر وقت این " اعلیحضرت " حرفی زد و درست

در سر بزنگاه شروع میکنند به هو کردن و پته آقا را روی آب ریختن . یکی نیست به این

" بچه ها " بگویند " آخه آقا شما چکاره اید که آنجا نشستید و هی ایراد میگیرید

گیریم هم که آقا دروغ گفت و قبی آمد و شما چه مربوط است . اگر بچه ها وسیله مدرسه

رفتن ندارند تقصیر خودشان است که وسیله تهیه نمی کنند . معلم ندارند مگر کسی

چه و چشمشان کور میخواستند داشته باشند . اگر معناد میشوند به شاه و دربار

چه مربوط است ؟ اگر پول تحصیل ندارند و تقصیر پدر و مادرشان است همه شاه زبطی

ندارد . مگر در همین کنفرانس راسر نبود که " شاهنشاه و شسه بانو " برای دادن

طرح های بهتر جهت تربیت کودکان کشور با هم مسابقه گذاشته بودند ؟ او

شاهنشاه گفت " ما باید از زمان تولد به بچه ها توجه کنیم " شهبانو حتی روی دست

بلند شد و گفت ما باید از زمان جنینی به تربیت بچه ها مشغول شویم . — بگذریم

از اینکه حالا اولیای امور گنه گیکه گرفته اند که بالاخره از کجا باید کار تربیت بچه ها

را شروع کنند ؟ — ولی خود مانیم در کجای دنیا کار تعلیم و تربیت به این دقت انجام

میشود ؟ بخدا هیچ جا !

و از آنجا که در این مسابقه ها همیشه " شاهنشاه " باید برنده بشود و طبق اخبار

دقیقی که بدست ما رسیده و قرار است خود " شاهنشاه " در کنفرانس آینده فرمانده

که کار آموزش و پرورش کودکان حتی زودتر از اینها شروع بشود یعنی قبل از آنکه پهای

اسپرم ها به رحم مادر برسد باید يك دوره تعلیماتی در " حزب رستاخیز " ببینند

و بدون دریافت کارت عضویت حق ورود به رحم مادران را نداشته باشند . هر اسپرمی

هم که خواست خلاف بکند و داستان پاسپورت مجانی و جهنم دره است . "

## کک های رسیده

دانشجوی ه . ه . ۰ از آلمان ۲۵ مارک

شماره ۳۰۰ پانصد مارک



# آرمان و خوانندگان

اتریش - دانشجو ب . در نامه ای بما مینویسد :

" بسیار علاقمندم به نشریات افشاگرانه سازمان شما علیه رژیم ایران ، از جمله " ایران سرزمین اختناق " و " نظامیگری در ایران " برای مطالعه خود و دوستانم دست یابم . بکنا بفروشی های شهر مراجعه کرده ام ، مند داشته اند . از اینجهت از شما دوستان عزیز تقاضا میکنم آنها را با ذکر قیمت برایم بفرستید تا پولش و ارسال دارم . "

آرمان - دوست عزیز !

IRAN, DAS LAND DER  
UNTERDRUCKTEN  
ANTIIMPERIALISTISCHE  
BLUTIN  
Marburg/L, Liebigstr. 46

بروشور " ایران سرزمین اختناق " را آرمان انتشار نداده ، بلکه از انتشارات برای تهیه این بروشور میتوانید از دو طریق اقدام کنید :

- ۱ - بکنا بفروشی محل اقامت خود مراجعه کنید ، نام کتاب و موسسه ناشر آنرا ارائه دهید ، کتب را برای شما تهیه خواهد کرد .
  - ۲ - مستقیما با بنگاه انتشاراتی نامبرد ، مکاتبه کنید و خواستار ارسال آن کتاب شوید .
- بروشور " نظامیگری در ایران " را که سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات در برلن غیر انتشار داده است ، میتوانید مستقیما از دبیرخانه خارجی این سازمان ، از طریق آدرس مجله آرمان بخواهید . ما یک نسخه از آنرا برای شما فرستادیم . قیمت آنرا میتوانید به آدرس بانکی آرمان بفرستید یا معادل آن تمبر در پاکت ارسال دارید .

آقای زمان طی نامه صمیمانه ای از ما خواسته اند که برای ایشان بنویسیم ، که " جشن سرنگونی رژیم سلطنتی در افغانستان " که شرح آن در شماره ۴ آرمان چاپ شد ، بود در چه شهری انجام یافته است .

آرمان - این جشن از طرف عده ای از دانشجویان افغانی در شهر کلن / آلمان غری ، در تاریخ ۱۹ ژوئن برگزار شد .

جواب سوال مشخص شما را پس از تحقیقات لازم خواهیم داد .

در ضمن از کمک های فکری و مادی که شما نسبت به سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران بذول داشته اید ، صمیمانه سپاسگذاری میکنیم و امیدواریم که این همکاری ادامه یابد .



## دفاع از زندانیان سیاسی وظیفه هر میهن پرست است

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

شماره بانکی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

آدرس پستی

G. Sobich  
Kreissparkasse Recklinghausen  
FII. Dorsten-Hoisterhausen  
Girokonto 1856874

Gustav Sobich  
427 Dorsten  
Friedenau 3  
West-Germany

**ARMAN**

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran  
Price: 0,50 DM or its equivalent in all other countries